

نویسنده: مهیار قنبری

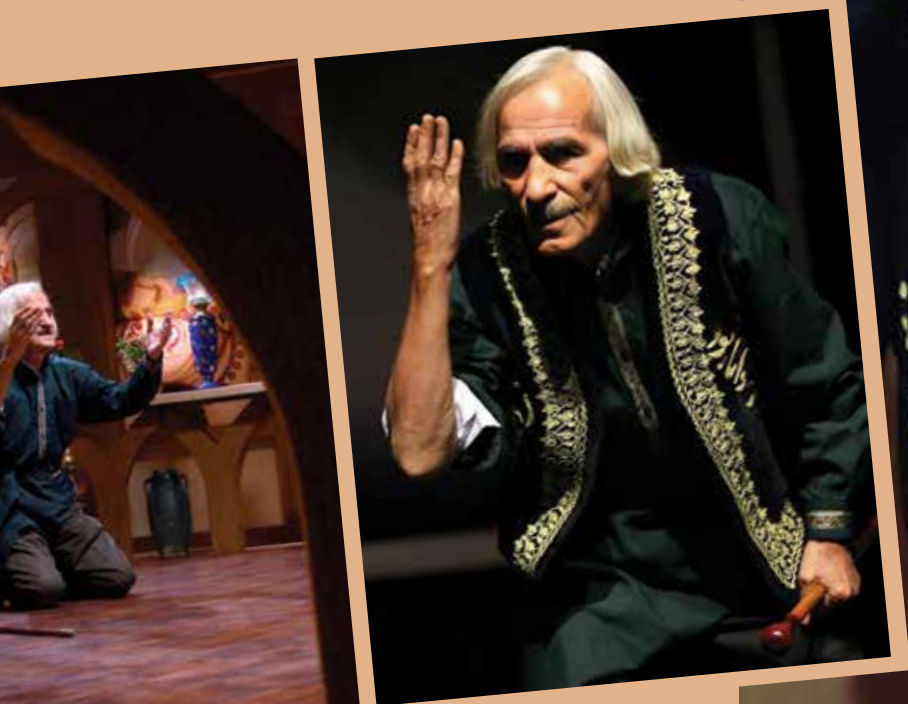
دلبازی با نقی

به نظر شما یک نفر با چوب و تکه‌ای پارچه چکار می‌تواند بکند؟ چقدر امکان دارد در کار خود موفق شود؟ چقدر امکان دارد بتواند مشتری جذب کند و جنسی بفروشد؟ چقدر می‌تواند محصول خوبی ارائه بدهد؟ شاید در نگاه اول این پرسش چندان دشوار به نظر نیاید! الان امکانات کم در حد تکه‌ای چوب ۵۰ سانتی متری و حدود ۷ تا ۸ مترمربع پارچه، نمی‌تواند کار خاصی انجام دهد، چه برسد به اینکه مشتری را راضی نگه دارد، محصول خوب ارائه کند و در فروش هم موفق شود!

اگر به برخی صحنه‌های نمایشی سری بزنید، متوجه می‌شوید هنر ایرانی با همین دو قلم ابزار ساده چه دلبری‌هایی از مشتریانش می‌کند! چقدر همه را به وجد می‌آورد، و چه محصول جذابی ارائه می‌دهد. وقتی مرشد بالایی صحنه می‌رود، پرده نقالی را باز می‌کنند و او با صدای گرم و گیرایش مجلس را گرم می‌کند.



مرحوم استاد ولی اله نزاری (نقال شاهنامه)





است. به ظاهر ساده اما هم‌زمان چندین نقش را بازی می‌کند. گاهی به شمشیر و نیزه تبدیل می‌شود و گاه به گرز یا اشاره‌گر روی پرده. مرشد از همین چوب ساده بیشترین استفاده را می‌برد و شما را چنان مجذوب می‌کند که فراموش کنید این شمشیر آخته یا گرز سنگین در دست مرشد فقط یک چوب ساده است؛ بهترین استفاده از ساده‌ترین وسایل و امکانات موجود.

و اما مهم‌ترین بخش این هنر خود نقال است. نقال‌هایی که سال‌ها در این هنر موی سپید کرده‌اند را مرشد می‌گویند. مرشد کسی است که از امکاناتش بیشترین بهره را می‌برد. از همان چوب و پارچه. در واقع این مرشد یک مدیر تمام‌عیار است. با صدای گیرا و گرمش و با لحن پهلوانانه و حماسی‌اش، مخاطب را مجذوب این کار می‌کند. چنان شعرهای زیادی را که حفظ است می‌خواند و به قصه سنجاق می‌کند که شما خودتان را کنار همان تصویرهای تودرتوی پرده حس کنید. او می‌داند چطور مشتریانش را راضی نگه دارد. وقتی قصه می‌گوید، حواسش جمع است تا ارتباط شنوندگانش با قصه قطع نشود. با چشم با آن‌ها سخن می‌گوید. با حرکت دستش و با تصویرسازی‌های خیالی‌اش از میدان جنگ، داستان را در ذهن و جان مخاطب می‌نشانند. در واقع هنر اوست که شما چوب را شمشیر و نیزه تصور می‌کنید و نقش‌های روی پرده را زنده. او باید از همه امکاناتش برای این کیمیاگری بهره‌برد. باید به همه جزئیات توجه کند. صدا و لحن، حرکات‌های دست، حرکت کردن در صحنه نمایش و تصویرسازی میدان، کلمات درست و اشعار دقیق و حتی لباس مناسب.

وقتی به صحنه نمایش پرده‌خوانی می‌روید، می‌بینید که چقدر همه از این محصول فرهنگی راضی هستند. چقدر مرشد یا مدیر موفق عمل کرده است. به این دلیل که به همه جزئیات توجه کرده و از همه امکاناتش بیشترین استفاده را برده و هیچ چیز را هدر نداده است. بهره‌وری مرشد در هنر پرده‌خوانی خیلی بالاست. از کمترین ورودی‌ها (چوب و پارچه) بیشترین خروجی‌ها (رضایت مشتری، کیفیت بالای نمایش و محصول فرهنگی، جذب کردن افراد به کار و...) را می‌گیرد. این کار برای هر کسب‌وکاری شدنی است. یعنی اجازه هدر رفتن هیچ ظرفیتی را ندهید. به جزئیات توجه کنید و برای آن فکر و برنامه داشته باشید. دقیق باشید، با فکر هزینه کنید و نگذارید چیزی اسراف شود. بهترین خودتان را ارائه دهید.

هنر نقالی از قدیمی‌ترین هنرهای نمایشی ایرانی است که مثل آن را در هیچ کجای دنیا پیدا نمی‌کنید. این همه زیبایی و کیفیت و ظرافت فقط نزد ایرانیان است و بس.

هنر نقالی در واقع میراث هنر اصیل ایرانی است. صحنه نمایش پرده‌خوانی یا همان نقالی پر از ظرافت‌هایی است که کم‌بودن ابزار و امکانات در آن اصلاً به چشم نمی‌آید. اما چطور ممکن است؟ آیا می‌توانیم از این هنر برای بهتر کردن اوضاع کسب‌وکار خودمان بهره ببریم؟ پرده نقالی تکه‌پارچه‌ای بیشتر از جنس متقال است با عرض یک و نیم تا دو متر و طول حدود چهار متر. روی آن نقش‌هایی از روایت قصه به صورت تودرتو و با استفاده از همه قسمت‌های پارچه دیده می‌شود. مثل نگارگری ایرانی، باز هم از همه‌جای پارچه استفاده شده و در آن هیچ قسمت خالی وجود ندارد. از همه ظرفیت‌های پارچه، بدون اینکه قسمتی از آن هدر برود، استفاده شده است. وقتی نقال شروع به روایت قصه می‌کند، هر بار به قسمتی از این پارچه اشاره می‌کند که نقاشی‌های مربوط به آن قسمت داستان در آن کشیده شده‌اند. حتی اگر به جنس پارچه هم دقت کنید، می‌بینید در انتخاب متقال کاملاً فکر شده است. از هر پرده نقالی بارها و بارها استفاده قرار می‌شود و با چوب دست نقال روی آن کشیده می‌شود. حتی ممکن است بارها آب و گرما بخورد، و باز و بسته شود. پس باید جنس محکمی داشته باشد. اینکه نقال یا مرشدی بگوید می‌خواهم پرده نقالی‌ام را از جنس ابریشم بزنم، نه تنها فایده‌ای ندارد، بلکه بعد از چند بار استفاده از بین خواهد رفت.

چوب نقالی یا مطرق یک چوب‌دستی است که عصای دست نقال

**صدا و لحن،
حرکت‌های دست،
حرکت کردن در صحنه
نمایش و تصویرسازی
میدان، بیان کلمات
درست و اشعار دقیق و
لباس مناسب، جملگی
ابزارهای تاثیرگذار
نقالان بر مشتری‌ها
هستند**

